



# اصلاحات ارضی در ایران و پیامدهای آن

علی رضاتوفیقی\*

## اصلاحات ارضی و توسعه روستایی و کشاورزی در

### کشورهای جهان

منابع موجود توسعه روستایی و کشاورزی نشان می‌دهند اغلب کشورهای جهان با وجود تفاوتی که در ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سیستم‌های حکومتی داشته و دارند، در دیدگاه‌های خود برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ملی، پروژه روستایی و کشاورزی و گذر از ساخت اراضی از یک حالت به حالت دیگر، اصلاحات ارضی را ضروری و لازم دانسته و اقدام به انجام آن نموده‌اند، یا به عبارتی تجدیدساخت تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی خود قلمداد کرده‌اند.

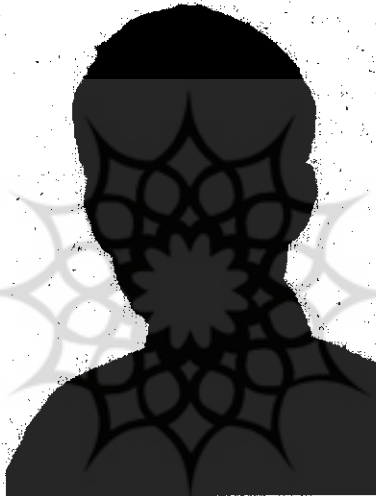
بدین ترتیب می‌توان گفت میان توسعه گران و برنامه‌ریزان توافق گسترده‌ای برای ضرورت اصلاحات ارضی وجود دارد. براساس گزارش سازمان خواروبار

و کشاورزی جهانی (F.A.O) در سال ۱۹۷۰، در بسیاری از مناطق جنوب جهان اصلاحات ارضی شرط اولیه توسعه است؛ با توجه به دیدگاه‌های متخصصان مختلف توسعه روستایی و کشاورزی مشخص شد که اصلاحات ارضی فرایندی از توسعه روستایی و کشاورزی بوده و کشورهای جهان با داشتن سیستم حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اقدام به

این عمل کرده‌اند. بنابر آنچه گفته شد در کشورهای مختلف اصلاحات ارضی با اهداف متفاوتی به اجرا درآمده و سنخ‌های گوناگون را به وجود آورده‌اند که براساس یک طبقه‌بندی عمومی می‌توان آن را به سه هدف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرد:

۱- از نظر اقتصادی؛ اصلاحات ارضی زمین‌ساز حلاً کثرت تولید و بهرروری در بخش کشاورزی، فراهم کننده مازاد سرمایه و خدمات برای صنعت بوده است. مثل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق.

۲- از بعد سیاسی؛ اصلاحات ارضی زمینه ساز اعاده قدرت به اکثریت جامعه بوده و یا برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش انقلاب توده‌ای انجام شده است.



مثل ونزوئلا و ویتنام جنوبی.

۳- از جنبه اجتماعی؛ هدف اصلاحات ارضی همگن‌سازی ساختار دو گانه بوده بدین صورت که با ساخت اجتماعی جامعه مشکل از تعداد معدودی که دارای املاک زیاد بوده و در مقابل، اکثریت جامعه فاقد زمین یا کم زمین بوده‌اند، اصلاحات ارضی موجب تغییر این ساختار دو گانه به یک ساختار تقریباً همگن می‌شود. مثل کوبا و اغلب کشورهای اروپای شرقی.

به طور کلی اصلاحات ارضی نشان‌دهنده توجه عمیق حکومت‌ها، سیاست‌گران و توسعه‌گران به سازماندهی جدید ساخت ارضی و اقتصاد روستایی از طریق توزیع مجدد زمین، پس از جنگ جهانی بود که با توجه به ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سیستم‌های حکومتی اجرا شد، ولی این تغییرات در همه جا با موفقیت همراه نبود. توزیع بسیار نابرابر قطعات میان کشاورزان، اندازه نامناسب زمین

با بعد خانوار، وجود کمترین میزان مشارکت روستاییان در انجام اصلاحات ارضی، جهت گیری سیاست‌ها، بهره‌برداری‌ها و... همه و همه فقر خاتوارهای روستایی را که صاحب قطعه زمین کوچکی، آن‌هم به صورت پراکنده بودند، کاهش نداد.

### اصلاحات ارضی عمومی در ایران قبل از انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۳۹، در اواخر عمر مجلس نوزدهم لایحه اصلاحات ارضی تصویب شد

ولی با اشغال کرسی‌های مجلس بیستم به وسیله افراد مخالف اصلاحات ارضی و نادرستی آن انتخابات اجباراً مجلس بیستم منحل شد و علی امینی (مجرى نظرات گروه‌های طرفدار آمریکایا) نخست‌وزیر شد و فرمان اصلاحات ارضی در این موقع صادر شد. با دخل و تصرفاتی که در قانون ۱۳۳۹ در سال ۱۳۴۰ انجام گرفت و قانون اصلاحات ارضی مهیا و در سال ۱۳۴۱ به آرای عمومی گذاشته و تصویب شد. در یک فرایند زمانی در سه مرحله انجام شد.

چون قانون اصلاحات ارضی در مدت زمان طولانی انجام شد و یک نوع عدم اطمینان در وضعیت ملکیت ایجاد کرد دولت در اول مهرماه سال ۱۳۵۱

**با توجه به دیدگاه‌های متخصصان مختلف توسعه روستایی و کشاورزی مشخص شد که اصلاحات ارضی فرایندی از توسعه روستایی و کشاورزی بوده و کشورهای جهان با داشتن سیستم حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اقدام به این عمل کرده‌اند**

خاتمه اصلاحات ارضی را اعلام کرد تا به این وسیله مردم از سرمایه گذاری در کشاورزی دلبرند.

گفته می شود در ایران سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سالهای اجرای برنامه های آمریکایی معروف به اصل چهار ترومن بود که برای جامعه ایران تنش های سیاسی را نیز به ارمغان آورد و گروه های سیاسی - مذهبی مخالفت هایی را با آن سردادند.

ترومن رئیس جمهور آمریکا، در یک سخنرانی، بایاتی قاطع به ارتباطات خارجی اشاره کرد. او چهار مرحله عملیات را با تاکید بر بازسازی اقتصادی و سیاسی جهان پرشمرد که چهارمین مرحله مربوط به مساعدت های فنی بود او گفت: چهارم: ما باید روی یک برنامه جسورانه جدید به منظور رساندن نتایج پیشرفت های علمی و صنعتی خویش که برای توسعه و رشد کشورهای توسعه نیافته قابل استفاده باشد، سرمایه گذاری کنیم. به موجب این قانون گروه های صلح و خدمات فنی آمریکا به کشورهای مختلف رفته شدند.

به هر حال دولت ایران این اصول را تحت عنوان اصلاحات ارضی اجرا کرد و بر این اساس نظام فئودالی مبتنی تا حدود زیادی بر چیده شد و مالکان بزرگ ناچار شدند که زمین های خود را به دولت واگشایر کنند و دولت با قطعه قطعه کردن این زمین ها آنها را به زارعین که تا پیش از آن در حیطه به شمار می آمدند واگذار کرد. در همان دوران که با خریدن زمین های کشاورزی و دیگر عوارض صنعتی اصلاحات ارضی از جمله از هم ناشی شدی نظام کشت و پرانگنده شدن سیستم تولید محصول همراه بود و بر این اساس هر کشاورز بر اثر صلاح جدید خود اقدام به کشت و داشت می کرد و عملاً طبقه کشاورزان خریده پا و تقریباً بدون امکانات زراعی مدرن و حتی نیمه مدرن در ایران ظاهر شدند. در مجله اکونومیکا طرح های انتشار یافت که در دانشگاه ها و ادارات آمریکا تدارک دیده می شد، این طرح ها

و اثر بخشی حداکثر در آینده نام داشتند و هدفشان نبود کردن بهره برداری های کشاورزی فردی در آمریکا بود تا میدان عمل برای سه کار بردن ماشین آلات عظیم کشاورزی و تکنولوژی نوین گسترده تر شود.

به دنبال آن، در ایالات متحده گرایش جدیدی مبنی بر سلطه آمریکا بر تمام تولیدات غذایی جهان احساس می شد، این تمایل که روز به روز شدت می یابد نه تنها به حل مشکل تغذیه کمکی نمی کند، بلکه باعث بفرنج شدن آن نیز می شود. سخنان تهدید آمیز اول باتس معاون دولت آمریکا در امور کشاورزی مبنی بر استفاده از سلاح تغذیه جدید بودن این تمایل را ثابت می کند.

فعالیت های لازم بعد از تقسیم اراضی در ایران اصلاحات ارضی برای کشاورزان ایران پیامدهای مثبت و منفی داشت. از عوارض مثبت آن، که نباید از آن گذشت، مالک شدن تعداد بی شماری از کشاورزان بود که به اعتقاد برخی، تنها قدم اول در راه توسعه امر کشاورزی است و تقسیم اراضی به تنهایی نتیجه مثبتی نخواهد داشت مگر این که با فعالیت های مکمل همراه باشد. ارباب در اغلب موارد به صورت مدیر، رابط زارع با ادارات دولتی، بانک، حل و فصل کننده اختلاف و غیره بود که در اثر تقسیم اراضی و از بین رفتن

مالک خلائی در زندگی روستاییان پیدا شد که برای پر کردن آنها نیاز به اقدامات وسیع بود.

دولت ها سعی در سازماندهی این خرده مالکان داشتند و با ایجاد تشکل های صنفی زراعی برای تمرکز این پراکنده کاری ها تلاش نمودند. از جمله این اقدامات، تشکیل شرکت های تعاونی بود که در جهت یکپارچه کردن زمین های کشاورزی ایجاد شدند، البته نباید از نظام مالکیت زمین (چه سنتی و چه در نتیجه اصلاحات ارضی تغییر یافته باشد) و مرحله رشد اقتصادی و نظام حکومتی موجود و شرایط طبیعی منطقه مورد مطالعه غافل ماند که اینها عوامل عمده تعیین کننده نوع ویژه تعاونی هستند. شرکت های تعاونی روستایی و عشایری، شرکت های سهامی زراعی، شرکت های تعاونی تولید، قطب های رشد کشاورزی و شرکت های کشت و صنعت از جمله مواردی هستند که بعد از تقسیم اراضی و قبل از انقلاب اسلامی برنامهریزی شده اند که به اختصار به آنها می پردازیم:

**شرکت های تعاونی روستایی و عشایری**

نهیست تعاونی روستایی را در حقیقت «رایفایزن» در آلمان به وجود آورد و امروزه در دنیا به اسم نظام «رایفایزن» معروف است و کاملاً به نفع روستاییان و دهقانان و برای پرداخت وام به آنان بود.

بعد از اصلاحات ارضی دولت وقت، برای پر کردن خلأ ایجاد شده در سطح روستاها و پر کردن جای مالک و تأمین اعتبار مالی برای زارع اقدام به ایجاد شرکت های تعاونی روستایی کرد و مالکیت بر زمین را شرط عضویت در این تعاونی ها قرار داد. تأمین اعتبار و وام به زارعین خرید محصولات و بازاریابی آنها و تأمین اجناس مصرفی مورد نیاز روستاییان از طریق تعاونی های مصرف روستایی مدنظر بود. این تعاونی علاوه بر کار صنفی خود غالباً درگیر امور و مسائل حاشیه ای و یا غیر مرتبط با تولید نیز بود که مانی برای فعالیت اصلی آن و حتی باعث منحرف شدن آن از اهدافش شده بود.

**شرکت های سهامی زراعی**

اساسنامه شرکت های سهامی زراعی شش سال پس از آغاز اصلاحات ارضی به منظور استفاده بهتر از عوامل موجود در تاریخ ۱۳۳۶/۱۲/۲۰ به تصویب هیئت دولت وقت رسید. مهم ترین هدف این شرکت ها افزایش درآمد سهامداران از طریق یکپارچه کردن اراضی، استفاده از ماشین های کشاورزی، ارائه روش های علمی کشاورزی و... بود. از ویژگی این شرکت ها اجباری بودن عضویت بود و دهقان، حق فروش زمین های خود را نداشت، اما می توانست سهام خود را انتقال دهد و به صورت کارگر کشاورز در شرکت استخدام شود، ولی در عمل چون کشاورزان به صورت کارگر و نه صاحب زمین، روی زمین کار می کردند، رغبت و دقت لازم از طرف آنان ابراز نمی شد.

**شرکت های تعاونی تولید**

در این شرکت ها، همه امور زراعی یکجا انجام می شد ولی حدود و نفوس مزارع افراد مشخص باقی می ماند، بنابراین مشکل استقلال مزارع که در شرکت های سهامی زراعی از بین رفته بود در شرکت های تعاونی تولید برطرف شد و این

**اصلاحات ارضی نشان دهنده توجه**

**عمیق حکومت ها، سیاست گران**

**و توسعه گران به سازماندهی جدید**

**ساخت ارضی و اقتصاد روستایی**

**از طریق توزیع مجدد زمین،**

**پس از جنگ جهانی بود که با**

**توجه به ارزش ها، ایدئولوژی ها و**

**سیستم های حکومتی اجرا شد،**

**ولی این تغییرات در همه جا با**

**موفقیت همراه نبود**

**اصلاحات ارضی برای کشاورزان**

**ایران پیامدهای مثبت و منفی**

**داشت. از عوارض مثبت آن، که**

**نپاید از آن گذشت، مالک شدن**

**تعداد بی شماری از کشاورزان بود**

**که به اعتقاد برخی، تنها قدم اول**

**در راه توسعه امر کشاورزی است**

**و تقسیم اراضی به تنهایی نتیجه**

**مثبتی نخواهد داشت مگر این که با**

**فعالیت های مکمل همراه باشد**

دی و بهمن ۱۳۸۶

شرکت‌هایی توانستند وسیله خوبی برای انتقال اعتبارات و تکنیک‌های جدید کشاورزی به زارعین عضو باشند، ولی به دلایل زیادی که منشأ اغلب آنها فساد و نادرستی نظام کلی اقتصادی جامعه و بی‌کفایتی و فساد دستگاه اداری بود مؤثر نبودند.

#### کشت و صنعت‌ها

کشت و صنعت‌ها از حوالی دهه ۱۳۳۰ به دو صورت خصوصی و دولتی تشکیل شده بود، البته در طرح ریزی اساس این شرکت‌ها فکر اصلی این بوده است که در زمین‌های وسیع که دارای آب کافی هستند اگر سرمایه و مدیریت لازم به کار گرفته شود می‌توان مقدار تولیدات کشاورزی را بالا برده و به افزایش درآمد ملی کمک کرد. انجام عملیات در سطح وسیع (بیش از ۵۰۰۰ هکتار) تلفیق کار کشاورزی و صنعت استفاده از تکنولوژی جدید کشاورزی،

تمرکز عملیات زراعی در بازار تجاری و جدایی عامل کار و سرمایه از ویژگی‌های این شرکت‌ها از نظر عملیاتی عنوان می‌شود.

در تأسیس این شرکت‌ها موجودیت زارعین خرده‌پا در نظر نبوده و در حقیقت به هدف افزایش تولید، بیشتر از شأن انسانی اهمیت داده شده بود حال آن‌که از علاقه‌مندی زارعین به امر کشاورزی غفلت شد. در واقع کشاورزی برای زارعین خرده‌پا روش زندگی است و به آسانی از آن دست بر نمی‌دارند، در حالی که سرمایه‌داران فقط به خاطر کسب منفعت در کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کنند و اگر ملاحظه کنند که در فعالیت‌های دیگر سود بیشتری می‌توانند به دست آورند زراعت را ترک می‌کنند.

نتیجه فعالیت اغلب شرکت‌های کشت و صنعت (بخصوص در جنوب) در سال‌های گذشته جالب نبوده است و بسیاری از آنها ورشکسته شده‌اند.

#### قطب‌های رشد کشاورزی

هدف، ایجاد ۲۰ قطب در ۱/۸ میلیون هکتار زمین بالقوه بود و مسئولان برای ایجاد این ۲۰ قطب رشد اولویت مطلق قائل بودند و خلع مالکیت از دهقانانی را که از این برنامه تمکین نکنند، مد نظر داشتند. متأسفانه اجرای این برنامه متضمن سلب هر گونه حمایت دولت از مزارع پراکنده بود، در خارج از محدوده قطب‌ها، سیاست دلسرد کردن کشاورزان تعقیب می‌شد، مثلاً بانک کشاورزی به دهقانان آن نقاط وام ندهد. ترویج کشاورزی و فروش اقساطی ماشین‌آلات کشاورزی به این نقاط اختصاص نیابد تا بدین ترتیب مردمی که در خارج از محدوده قطب‌ها زندگی می‌کنند ناگزیر

از مهاجرت به این قطب‌ها شوند.

حال آن‌که پراکندگی اسکان در ایران به علت پراکندگی منابع آب بود و بسیاری از روستاها خارج از محدوده این قطب‌ها قرار می‌گرفتند، با این برنامه پیش‌بینی می‌شد تولید حداقل ۳۰ درصد کاهش یابد و مناطق خارج از قطب‌ها از بین بروند و تبدیل به بیابان شوند.

#### اصلاحات ارضی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی با توجه به تغییراتی که در وضع نظام مالکیت اراضی رخ داد دولت برای سر و سامان دادن به آن قوانینی را وضع کرد. طی آن، توسط شورای انقلاب قانون «نحوه واگذاری و احیای اراضی» در مورخ ۱۳۵۸/۶/۲۵

تصویب شد.

شرکت‌های تعاونی تولید مشاع و مراکز خدمات روستایی از جمله اقداماتی است که پس از انقلاب اسلامی تشکیل شدند.

#### شرکت‌های تعاونی تولید مشاع

شرکت تعاونی مشاع عبارت از واحد بهره‌برداری است که از طریق هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین، معادل عرف محل زمین دریافت کرده. ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح لایحه قانونی، لایحه واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۹/۲/۳ شرایط مقدار واگذاری زمین در رابطه با عرف محل را تعیین نموده است. هدف از عرف محل، آن مقدار زمینی است که برای تأمین یک کشاورز و خانواده‌اش در طول یک سال لازم است، بنابراین مقدار عرف باید بتواند معاش یک خانوار را در حد رفاه نسبی تأمین کند. میزان عرف محل برای هر یک از مناطق مختلف فرق می‌کند و

### شرکت‌های تعاونی روستایی و عشایری، شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های تعاونی تولید، قطب‌های رشد کشاورزی و شرکت‌های کشت و صنعت از جمله مواردی هستند که بعد از تقسیم اراضی و قبل از انقلاب اسلامی برنامه‌ریزی شده‌اند.

### بعد از انقلاب اسلامی با توجه به تغییراتی که در وضع نظام مالکیت اراضی رخ داد دولت برای سر و سامان دادن به آن قوانینی را وضع کرد. طی آن، توسط شورای انقلاب قانون «نحوه واگذاری و احیای اراضی» در مورخ ۱۳۵۸/۶/۲۵ تصویب شد

بین کمتر از یک هکتار یا بیشتر از ۱۰ هکتار می باشد. به طور کلی مجموع اراضی مربوط به تمامی اعضای یک مشاع، مقدار زمین آن واحد را تشکیل می دهد که با برنامه ریزی داخلی آن را به کشت های مختلف تخصیص می دهند. در خصوص مسئله آب و استحصال آن در مشاع ها به صورت مشترک و یا با یک اقدام جمعی صورت می گیرد. البته در مناطق مختلف انواع منابع آبی وجود دارد که عمده ترین آنها در حال حاضر چاه های عمیق و نیمه عمیق است که مخصوص این مشاع ها حفر شده است. هزینه حفر چاه، موتور پمپ، احداث کانال آبرسانی، لایروبی قنوات و... در چارچوب یک فعالیت گروهی و جمعی صورت می گیرد.

این واحدها به تدریج و از سال ۱۳۵۹ به وجود آمدند، در پایان سال ۱۳۷۱ حدود ۱۳۷/۶۰۸ واحد مشاع و در مجموع بیش از نیم میلیون هکتار از اراضی زراعی را تحت پوشش قرار داد، اما به تدریج از حساسیت مجریان نسبت به رعایت نکات خاص این مشاع ها کاسته شد. نتیجه مطالعه ای که در سال های اخیر به عمل آمد نشان می دهد که بیشتر مشاع ها ناموفق بوده اند، لیکن در مواردی هم که اعضای مشاع ها روابط نزدیک خویشاوندی داشته اند یا مشاع هایی که در زمینه های موات و بایر تشکیل شده و در آنها با کمترین مقدار کار گندم و جو برداشت می شود و همچنین مشاع هایی که تولید محصولات در آنها کاملاً مکاتبه بوده و درآمد قابل توجهی داشته، توانسته اند باقی بمانند.

علل عدم توفیق مشاع ها و مشکلات آن، زیاد است؛ از جمله عدم سازگاری اعضا با هم، نداشتن تخصص و ارت بردن وراثت زارعین عضو مشاع ها بعد از فوت آنان، مراکز خدمات روستایی

ایده تشکیل این مراکز به علت عدم کارایی شرکت های تعاونی و سهامی زراعی، قبل از انقلاب بوده ولی به علل مسائل داخلی کشور شروع فعالیت های آنها با یک سری تغییرات در ساختارشان در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. هدف از تشکیل مراکز خدمات روستایی، توسعه فعالیت های کشاورزی و عشایری از طریق ارائه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی و ترویجی، تهیه و تجهیز و توزیع وسایل و لوازم نهاده های کشاورزی و دامی و ارائه تسهیلات و خدمات بازرگانی است.

به هر حال، نزدیک به نیم قرن از اصلاحات ارضی در ایران می گذرد. طی سالیان پس از اصلاحات ارضی، اقداماتی هم انجام شده تا عوارض منفی

حاصله را از بین ببرد. بخشی از این فعالیت ها که عمدتاً برای یکپارچه سازی اراضی پراکنده شده در غالب شرکت های تعاونی انجام گرفت، آن چنان که باید موفق عمل نکرده است. از دلایل عدم موفقیت شرکت های تعاونی تولید در قبل از انقلاب اسلامی، فساد و نادرستی نظام کلی اقتصادی جامعه و بی کفایتی دستگاه اداری عنوان شد. همچنین در خصوص شرکت های تعاونی تولید مشاع که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمدند، عدم سازگاری اعضا با همدیگر و نداشتن تخصص از مشکلات آنان بر شمرده شد. همچنین شرکت های تعاونی روستایی که علاوه بر کار سنتی، خود را درگیر امور مسائل حاشیه ای و غیر مرتبط با تولید کرده بودند که همین نیز مانعی برای فعالیت اصلی آنها و باعث انحرافشان از اهداف اولیه شد.

به طور کلی، هم اکنون معادل ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را بخش کشاورزی برعهده دارد و ۲۳ درصد از اشتغال کشور را با

حدود ۴ میلیون بهره بردار داراست که ۶ دهم درصد شاغلین بخش تحصیلات دانشگاهی دارند که این رقم بسیار اندکی نسبت به کشورهای توسعه یافته است. که بالای ۲۰ درصد از شاغلین بخش کشاورزی را تحصیلکردگان دانشگاهی تشکیل می دهند.

به نظر می رسد عمده عدم موفقیت و کارایی (در خور شأن و پتانسیل های بالقوه بخش کشاورزی ایران) در شرکت های تعاونی تولید، شرکت های تعاونی روستایی و تعاونی های مشاع، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت ها، نبود نیروی کار ماهر و نیمه ماهر در بدنه اجرایی این شرکت ها است. حتی به جهت افزایش بهره وری بخش کشاورزی و افزایش تولید در سطح مزرعه (افزایش عملکرد در واحد سطح) باید این وضعیت تغییر کند و اگر ما بخواهیم به سمت توسعه داناتی محور و پایدار برویم بایستی از نیروی انسانی متخصص استفاده کنیم؛ در حالی که بسیاری از بخش ها و عرصه های شغلی نظام مند و ضابطه مند شده اند و حضور متخصص مربوطه در هنگام اجرا در عرصه الزامی است. پرسش بسیاری از اساتید و فرهیختگان این است که آیا بهره برداری از میلیون ها متر مکعب آب و خاک به عنوان منابع پایه بخش کشاورزی هیچ نیازی به تأیید رسمی یک نفر متخصص کشاورزی ندارد؟

گفته شده، در دوره پیشین فعالیت سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شورای مرکزی این سازمان چهارمندی هایی صورت داده و طرح هایی به نمایندگان محترم ارائه کرده تا با اصلاح قانون، افق روشن تری را پیش روی فعالان متخصص بخش کشاورزی قرار دهند که البته سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت از جمله مطلقان این طرح اصلاحات بوده است.

هم اینکه از مسئولان سازمان در دوره کنونی و شورای مرکزی انتظار است که هرچه سریع تر طرح الزام استفاده از کارشناسان کشاورزی (به عنوان مدیر فنی) در واحدهای تولیدی و خدماتی بخش را در مراجع ذی صلاح به جهت قانونی شدن پیگیری نمایند. همچنین از معاونت محترم پارلمانی و حقوقی که مهمترین وظایف آن تهیه و تنظیم قوانین و مقررات و عرضه آن به مجلس محترم شورای اسلامی به جهت تصویب است، انتظار می رود موارد یاد شده را مد نظر قرار دهد.

\* کارشناس کشاورزی (تولیدات گیاهی)، عضو هیئت مدیره شرکت تعاونی دانش آموزان کشاورزی نیشابور و کارشناس ناظر گندم شهرستان نیشابور از سال ۱۳۸۲ تا کنون.

**هم اکنون معادل ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را بخش کشاورزی برعهده دارد و ۲۳ درصد از اشتغال کشور را با حدود ۴ میلیون بهره بردار داراست که ۶ دهم درصد شاغلین بخش تحصیلات دانشگاهی دارند که این رقم بسیار اندکی نسبت به کشورهای توسعه یافته است که بالای ۲۰ درصد از شاغلین بخش کشاورزی را تحصیلکردگان دانشگاهی تشکیل می دهند**

**اگر ما بخواهیم به سمت توسعه داناتی محور و پایدار برویم بایستی از نیروی انسانی متخصص استفاده کنیم**

#### منابع

- کوهاهی، م. ۱۳۷۹، اصول اقتصاد کشاورزی، انتشارات دانشگاه تهران.
- افتخاری، ع. ۱۳۸۲، توسعه کشاورزی (مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه ریزی در یکپارچه سازی اراضی کشاورزی)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- الماسی، م. ش. کیانی و ن. لویسمی، ۱۳۸۰، مبانی مکانیزاسیون کشاورزی، مؤسسه انتشارات حضرت مصومه (س)، چاپ سپهر.
- ملک محمدی، ای. ۱۳۸۳، ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی (جلد اول سیر تکاملی)، مرکز نشر دانشگاهی.
- بنی صدر، ا. ۱۳۵۸، مجموعه مقاله ها (۱- اقتصادی)، انتشارات روزنامه انقلاب اسلامی.
- مجله Economic Middle East، شماره ۱۹۶، اقتصاد کشاورزی ایران، ترجمه سید محمود مطیعی، روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳.
- رضاییان، س. مشاع، نظامی نوین و مردمی در بهره برداری از اراضی کشاورزی، ماهنامه مروج.